

بسم الله الرحمن الرحيم

دفاع از فلسطین در اندیشه ی توحیدی

فاطمه شکری^۱

چکیده

امروز مسأله ی فلسطین از اساسی ترین مسائل کشور ما و سایر کشورهای اسلامی منطقه ی ما می باشد. با توجه به مداخلات اسرائیل در روابط کشورهای اسلامی و تفرقه افکنی بین آن ها از طرفی و ظلم و ستم ناروا در حق مردم فلسطین می خواهیم به بررسی اعتقاد توحیدی در مسأله ی فلسطین بپردازیم و بدانیم که آیا دفاع از فلسطین نشأت گرفته از اندیشه ی توحیدی است ؟ همه ی پیامبران الهی برای استقرار توحید در انسان ها مبعوث شدند و علیه طواغیت زمان خود قیام کردند با توجه به ظلم و ستم بی حد اسرائیل این رژیم یکی از طواغیت زمان ماست و مبارزه ی با آن با توجه به آیات قرآن در تقابل با طواغیت و حمایت از مظلوم این وظیفه ی دینی ماست که از فلسطین حمایت کنیم.

کلید واژه

توحید ، فلسطین ، طغیان ، اسرائیل

^۱ . طلبه ی سطح دو مدرسه ی مشکات اندیشه تهران

تأکید بر یکتایی خدا و نفی صریح و قاطع هرگونه شرک، اصلی ترین پیام قرآن شناخته شده است و قرآن یکسر در باره توحید است^۱ توحید، علاوه بر اینکه یک بینش است، یک برداشت از واقعیت است؛ علاوه بر این، یک شناخت عمل ز و زندگی ساز است.

توحید، عقیده ای است که متضمن تعهد و مسئولیت است، تعهدی که توحید به فرد موحد یا به جامعه موحد می دهد، از حد فرمان های شخصی و تکالیف فردی بالاتر است. تحقق تاریخی امت اسلامی نیز، به رغم تکرر آشکار و نسبتاً زیاد آن، بر محور همین باور صورت بسته است^۲. از آثار اجتماعی توحید، نفی طاغوت است، اعتقاد به توحید در جامعه سبب می شود جامعه، ظلم، استکبار و طاغوت را نپذیرد و از غیر خدا هراسی نداشته باشد^۳، از آنجایی که اسلام یک دین جهانیست، مسلمانان نمی توانند نسبت به طواغیت عالم و ظلم و ستم جهانی بی تفاوت باشند، رژیم اشغالگر اسرائیل از جمله ی این طواغیت و مستکبرین است که توسط دولت های مستکبر و ظالم جهان علیه اسلام و مسلمانان مورد حمایت است، سال هاست فلسطین به عنوان نوک پیکان جبهه ی حق در برابر اسرائیل به عنوان نوک پیکان جبهه ی باطل قرار گرفته و ما وظیفه ی شرعی داریم و اسلام بر ما واجب کرده است به مردم فلسطین کمک کنیم^۴ حال می خواهیم بیابیم در اندیشه ی توحیدی، دفاع از فلسطین چه جایگاهی دارد؟ متأسفانه بسیاری از مردم، اندیشمندان غربزده و حکومت های اسلامی نسبت به مسأله ی فلسطین بی تفاوت اند و واکنش در برابر رژیم اسرائیل را موجب افزایش مشکلات می دانند. هدف از این مقاله آگاه سازی و ایجاد یک گفتمان عمومی نسبت به این وظیفه ی شرعی می باشد. باور به توحید در حاکمیت خداوند مستلزم تلاش جهت تحقق این حاکمیت در جامعه در قالب از بین بردن حاکمیت طاغوت ایجاد ساختار حکومت توحیدی حاکمیت حاکمی منتسب به خداوند و استقرار قوانین الهی در جامعه است^۵.

۱. ابن قیم جوزیه، توضیح المقاصد و تصحیح القواعد فی شرح قصیده الامام ابن القيم، ج ۲، ص ۲۵۹-۲۶۰، چاپ زهیر شاولیش، بیروت ۱۴۰۶

۲. خامنه ای، سیدعلی، طرح کلی اندیشه اسلامی

۳. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه امام

۴. خامنه ای، سیدعلی، ۱۳۸۷/۳/۹

۵. کریمی نیا محمد مهدی، شهبازی حسین، انصاری مقدم مجتبی، تأثیر مراتب توحید الهی نسبت به حکومت اسلامی

معنای توحید

معنای لغوی توحید ؛ واژه «توحید» مصدر باب «تفعیل» و به معنای «یگانه دانستن» است. ریشه این کلمه از «وحد» و به معنای انفراد است و از این رو «واحد» به چیزی اطلاق می‌شود که جزء ندارد.[۲] و باز تعریف کرده‌اند که توحید در لغت، به معنای حکم به یکی بودن و علم به یکتایی چیزی است.^۱

معنای اصطلاحی توحید ؛ توحید در اصطلاح کلامی، اقرار به یگانگی خداوند و شریک نداشتن در صفات او است.^۲

انواع توحید

۱- توحید نظری

۲- توحید عملی

توحید نظری عبارت است از اعتقاد قطعی به یکتایی خداوند در ذات صفات و افعال و توحید عملی به معنای رفتار موحدانه است.

یعنی آدمی در برخورد با خداوند متعال به گونه ای عمل کند که مقتضای اعتقاد و اندیشه توحیدی اوست.

توحید نظری

توحید نظری بر اساس یک تقسیم بندی رایج به سه دسته تقسیم میشود.

۱- توحید ذاتی؛ یگانگی در ذات

توحید ذاتی یعنی شناختن ذات حق به وحدت و یگانگی. اولین شناختی که هر کس از ذات حق دارد، غنا و بی‌نیازی اوست؛ یعنی ذاتی است که در هیچ جهتی به هیچ موجودی نیازمند نیست و به تعبیر قرآن «غنی» است؛ همه چیز به او نیازمند است و از او مدد می‌گیرد و او از همه غنی است «یا ایها الناس انتم الفقراء الى الله و الله هو الغنی»^۳

۲- توحید صفاتی؛ یگانگی در صفات

۱ . میر سید شریف جرجانی، التعریفات، ص ۹۶، واژه التوحید

۲ . قاضی عبدالجبار معتزلی، شرح الاصول الخمسه، ص ۸۰

۳ . فاطر/سوره ۳۵، آیه ۱۵

توحید صفاتی یعنی درک و شناسایی ذات حق به یگانگی عینی با صفات و یگانگی صفات با یکدیگر. توحید ذاتی به معنی نفی ثانی داشتن و نفی مثل و مانند داشتن است و توحید صفاتی به معنی نفی هرگونه کثرت و ترکیب از خود ذات است.

۳-توحید افعالی؛ یگانگی در افعال

توحید افعالی یعنی درک و شناختن این که جهان، با همه‌ی نظامات و سنن و علل و معلولات و اسباب و مسببات، فعل او و کار او و ناشی از اراده‌ی اوست

توحید عملی

یا توحید در عبادت یعنی یگانه پرستی، به عبارت دیگر، در جهت پرستش حق یگانه شدن است.

تعریف طاغوت

«طاغوت» برای مبالغه‌ی طغیان بکار می‌رود. طغیان به معنای هرگونه تجاوز از حد است و لذا واژه‌ی طاغوت به هر موجود سرکش و متجاوز می‌گفته می‌شود در قرآن به شیطان، ستمگران و مستکبران و بت‌ها، که مایه‌ی طغیان و نافرمانی خدا هستند، «طاغوت» گفته شده است. این کلمه هم در مورد مفرد بکار می‌رود «يَكْفُرُ بِالطَّاغُوتِ» و هم در مورد جمع «أُولَیَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ»^۱

محوریت توحید در اسلام

کاربرد حدود ۲۷۰۰ بار واژه الله^۲ به مثابه کلیدی ترین واژه در توحید قرآنی و عبارت های گوناگون متضمن تأکید بر یکتایی خدا، چه به صورت ایجابی و چه به صورت سلبی ، حاکی از اهمیت بنیادین این اصل در اسلام است.

امام خمینی توحید را اقرار به وحدت و یکتایی خداوند متعال می‌داند^۳. ایشان اصل مقاصد قرآن را معرفت حق و تحصیل توحید می‌داند و بر این باور است که تمام مقاصد قرآن به مقصد واحدی برمی‌گردد و آن توحید است^۴. امام خمینی در آثار خود کوشیده است، توحید حق تعالی را با استفاده از قرآن، سنت و برهان عقلی، تحلیل و اثبات

۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۶۳۱

۲. محمود روحانی، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، ج ۲، ص ۲۴۴-۲۷۲، مشهد ۱۳۶۶-۱۳۶۸ ش

۳. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، ص ۳۱۵، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۸۸

۴. خمینی، روح الله، آداب الصلاة، ص ۲۹۷-۲۹۸، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.

کند، ایشان در بیان اهمیت و جایگاه توحید معتقد است توحید اصل اصول معارف است و بیشتر فروع ایمانی و معارف الهی و اوصاف کمالی و صفات قلبی از آن منشعب می‌شود.^۱

شرح توحید

خدا کیست؟ آن موجودی است که «لا اله الا هو» هیچ معبودی به جز او نیست. اله را معبود معنا کنید.

اله یعنی هر آن موجودی که انسان در مقابل او به صورت تقدیس، به صورت تعظیم و تکریم، خضوع می‌کند، اختیار خودش را دست او می‌دهد، سر رشته زندگی‌اش را به او می‌سپرد، او را دست باز و مطلق العنان در زندگی خود قرار می‌دهد، این را در اصطلاح قرآنی می‌گویند اله.

آن کسانی که هوای نفس را سر رشته‌دار زندگی خود می‌کنند، اله‌شان هوای نفس‌شان است. آن کسانی که یک انسان سرکش متجاوز را در امور زندگی خود، دستش را باز می‌گذارند، اله‌شان همان شیطان است. آن کسانی که به سنت‌ها و عقیده‌های پوچ، به طور بی‌قید و شرط تسلیم می‌شوند، اله‌شان همان سنت و عقیده پوچ است. هر چه در وجود انسان و در زندگی انسان، بی‌قید و شرط دستش باز باشد و حکومت و تحکم بکند، او اله است.^۲

– عملیاتی بودن اعتقاد توحیدی

توحید، علاوه بر اینکه یک بینش است، یک برداشت از واقعیت است؛ علاوه بر این، یک شناخت عمل‌زا و زندگی‌ساز است. توحید، عقیده‌ای متضمن تعهد و مسئولیت است؛ باید جستجو کنیم، این تعهد را، این مسئولیت‌هایی که در دل توحید منطوقی و مندرج است، اینها را پیدا کنیم و به صورت ماده ماده و جمله جمله و فصل فصل، هر کدامی را تیتیری قرار بدهیم و در قرآن یا در مجموعه منابع اسلامی، یعنی قرآن و حدیث، آن را تتبع و پیگیری کنیم.

تعهدی که توحید به فرد موحد یا به جامعه موحد می‌دهد، از حد فرمان‌های شخصی و تکالیف فردی بالاتر است. تعهدی که توحید به یک جامعه موحد می‌دهد، شامل مهم‌ترین، کلی‌ترین، بزرگ‌ترین، اوّلی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل یک جامعه است، مثل چه؟ مثل حکومت، مثل اقتصاد، مثل روابط بین‌الملل.

چه فایده دارد که فلان رهبر سیاسی فلان کشور، معتقد به خداست، در حالی که خداپرستی برای او فقط یک پاسخی به یک سؤال خشک مغزی است و نه چیزی بالاتر؟ آن وقتی خدا پرست بودن، موحد بودن، برای یک

^۱ . خمینی، روح‌الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۸۹، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۲

^۲ . طرح کلی اندیشه‌ی اسلامی در قرآن، جلسه ۸، ص ۲۲۷

جذب میکند و اجزایی را که با آن دشمن باشند، به شدت دفع میکند و با آن معارضه می نماید. یعنی «أَشْدَاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»^۱ لازمه ولایت و توحید جامعه اسلامی است.^۲

خدای متعال می فرماید: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۳؛ و ما برای هر قومی پیامبری فرستادیم تا به مردم ابلاغ کند که خدای واحد را بپرستید و از پرستش طاغوت پیشوای گمراه دوری کنید در تفسیر این آیه حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که میفرماید: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا بَوَلَّائِنَا وَ الْبَرَاءَةَ مِنْ عَدُوِّنَا، وَ ذَالِكَ قَوْلُ اللَّهِ فِي كِتَابِهِ وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ»^۴؛ خدای تعالی هیچ پیامبری را مبعوث نکرده مگر به اعلام ولایت ما و بیزاری و برائت از دشمنان ما چنان که خدای تعالی در قرآن میفرماید و ما برای هر قومی پیامبری فرستادیم تا به مردم ابلاغ کند که خدای واحد را بپرستید و از پرستش طاغوت پیشوای گمراه دوری کنید.

در آیه ی مذکور می فرماید: اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ دو نکته برداشت می شود:

۱- خداپرستی با پذیرش سلطه ی طاغوت ها و ستمگران، نمی سازد.

۲- با عبادت و اتصال به خداوند، انسان قدرت مبارزه با طاغوت ها، پیدا می کند.^۵

لزوم حمایت از فلسطین طبق آیه ی نفی سیل

کشور فلسطین یکی از کشورهای کیان اسلامی است لذا ما موظف به حفظ ارض اسلام هستیم، لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا^۶ این نوعی حق تصرف برای کافر بر مسلمان قرار داده نشده است. ویژگی سیل و حرف لام و علی حق تصرف و قیمومیت را می رساند. قاعده نفی سبیل به عنوان قاعده در فقه سیاسی اقتصادی اسلام است. مرحوم صاحب عروه هم در نوشته هایش این را دارد؛ که خدا اجازه نداده شما زیر بار کفار بروید. در روایات هم مهم ترین دلیل «لِإِسْلَامٍ يَعْلُو وَ لَا يُعْلَى عَلَيْهِ»^۷ است.

در سوره مائده است از آیه ۵۱ شروع می شود تا آیه ۵۵-۵۶. اول شروع می کند به این که یهود و نصاری را اولیاء خودتان اتخاذ نکنید، لا تتخذوا اليهود والنصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض، بعد می گوید: انما ولیکم الله و رسوله

۱. فتح، ۲۹

۲. خامنه ای، ۲۹/۰۹/۱۳۶۸

۳. نحل، ۳۶

۴. ابن مسعود، عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۵۸

۵. قرائتی محسن، تفسیر نور (۱۰جلدی)، ج ۴، ص: ۵۲۰

۶. نساء، آیه ۱۴۱

۷. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ج ۲۳، ص ۲۶۷ / وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۲۶، ص ۱۴

و الذين آمنوا الذين يقيمون الصلاة و يؤتُونَ الزكاة و هم راکعون، ولیّ شما خداست و پیغمبر خدا و حضرت علی که در حال رکوع صدقه دادند. و من يتول الله و رسوله و الذين آمنوا فانّ حزب الله هم الغالبون، در این آیه خیلی روشن می شود که تولى که قرآن نهی می کند از این است که مسلمانان سلطه پذیر باشند و آنها را بر خودشان مسلط کنند.^۱

ریشه ی طغیان بنی اسرائیل

از دیدگاه حضرت امام یکی از فطرت‌هایی که تمام عائله بشر بر آن مخمورند به طوری که در تمام افراد این نوع احدی را برخلاف آن نتوان یافت تواضع و فروتنی و تعظیم پیش عظیم و بزرگ است.^۲ اما همیشه فطرت در انسان غالب نیست و گاهی فطرت الهی انسان محجور مانده و همین مسئله سنگ بنای استعلاى انسانی میشود در چنین شرایطی نسیان انسان بر وی فائق آمده و خود را جای خدا مینشانند در اینجاست که انسان به هیچ مرتبه ای از مراتب قانع نگردد و برای به دست آوردن مقصد خود حاضر است با تمام نوامیس الهیه و شرایع حقّه مخالفت و دشمنی کند.^۳ چنین انسانی سرچشمه رذایل و مبدأ شرور است؛ به ویژه اگر حاکمیت سیاسی یابد. در چنین شرایطی آثار تخریبی نفسی که خود را مستعلی، پندارد بسیار زیاد خواهد بود زیرا خود را حاکم مطلق میداند.

سیر تاریخی طغیان

ریشه ی وحدت شکنی و طغیان در طول تاریخ برمی گردد به آنجایی که، ابلیس زیر بار سجده و فرمانبری از آدم نرفت؛ ابا کرد و استکبار ورزید و کفرش آشکار شد: وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ (۳۴ بقره) و [یاد کن] هنگامی که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید، [پس] سجده کردند مگر ابلیس که سر پیچید و تکبر ورزید و از کافران شد.

بعد از آن که با خاری رانده شد و هبوط کرد، تمام همت خودش را به کار گرفت تا بنی آدم را از صراط مستقیم عبودیت بازدارد و بی لیاقتی او را نشان دهد.

در سوره ی مبارکه ی اعراف می خوانیم: قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۱۴) گفت: مرا تا روزی که [مردگان] برانگیخته شوند، مهلت ده. قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۱۵) خدا فرمود: البته تو از مهلت یافتگانی. قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (۱۶) گفت: به سبب اینکه مرا به بیراهه و گمراهی انداختی، یقیناً بر سر راه راست

۱. آیت الله نوری، کتاب الجهاد، ۱۸/۱۲/۸۷

۲. امام خمینی ۱۳۸۱: ۳۵۴

۳. امام خمینی ۱۳۸۱: ۸۴ - ۸۳

تو [که رهروانش را به سعادت ابدی می‌رساند] در کمین آنان خواهم نشست. ثُمَّ لَا تَيِّنُهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ وَ لَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ (۱۷) سپس از پیش رو و پشت سر و از طرف راست و از جانب چپشان بر آنان می‌تازم و [تا جایی آنان را دچار وسوسه و اغواگری می‌کنم که] بیشترشان را سپاس‌گزار نخواهی یافت. خودمحموری و خودبزرگبینی در اصل همان هویت شیطانی است که در انسانها نیز پیدا میشود. به دنبال این هویت، وقتی جامعهای خودش را برتر از دیگران دید، در مقام این برمی آید که بر دیگران تسلط پیدا کند و زور بگوید.

رد پای عداوت و دشمنی ، در تمام طول تاریخ قابل پیگیری است؛ از قابیل گرفته تا شاخه بنی اسحاقی فرزندان ابراهیم ع که با نام بنی اسرائیل آنها را می شناسیم.

دشمن درجه یک مسلمانان

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَ لَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَسِيسِينَ وَ رُهْبَانًا وَ أَنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ (۸۲ مائده) یقیناً سرسخت‌ترین مردم را در کینه و دشمنی نسبت به مؤمنان، یهودیان و مشرکان خواهی یافت. و البته نزدیک‌ترینشان را در دوستی با مؤمنان، کسانی می‌یابی که گفتند: ما نصرانی هستیم. این واقعیت برای آن است که گروهی از آنان کشیشان دانشمند و عابدان خدا ترس‌اند، و آنان [در پیروی از حق] تکبر نمی‌کنند.

منظور از "یهود" در ادبیات قرآن، پیروان آیین یهودیت نیست بلکه مصداق امروزی آن صهیونیسم است. بر خلاف آنچه درباره ی یهود می بینیم، الذین اشرکوا را عنوان خاصی نداده چرا که صاحب ایدئولوژی و مکتب مستقل نیستند. "الذین قالوا انا نصاری" هم با "نصاری" فرق دارد. اینها با اینکه اسم خودشان را نصرانی گذاشته اند اما اهل طغیان نیستند هر چند ظاهرا با نصاری تحت یک عنوان خوانده می شوند. این ها چون استکبار ندارند، دشمن محسوب نمی شوند. طغیان است که باعث می شود به خلیفه ی خدا سجده نکنی و فرمانبردار او نباشی و در مقابل او بایستی و نگذاری فرمان خدا را جلو برد و عبودیت الله را عالمگیر کند بنابراین ما تنها با طغیانگران سر جنگ داریم و تا رفع کامل فتنه این جنگ را ادامه می دهیم: قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ (۳۹ انفال) با آنان بجنگید تا هیچ نوع فساد و فتنه [و خونریزی و ناامنی] بر جا نماند، و دین [در سراسر گیتی] ویژه خدا شود.

-دشمن در جنگ با ما کجا را هدف می گیرد؟

وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا؛ در آیه ۲۱۷ بقره می فرماید همواره با شما می جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند !

خداوند در سوره آل عمران فرمود: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ دین عندالله اسلام است، در نتیجه، مبارزه ی با اسرائیل در حمایت از فلسطین به منظور حفظ اسلام است .

غایت رویارویی

در یک حدیث نورانی که در کتاب شریف کافی نقل کردند، کسی به حضرت عرض کرد که معنای این آیه چیست؟ «فَلَمَّا أَسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ» (زخرف/۵۵) اینها ما را متأسف کردند و به اُسف آوردند و ما هم از آنها انتقام گرفتیم. داستان فرعون است که به یک نقطه ای رسید که نقطه انتقام است؛ چون خدای متعال به دستگاه شیطان و فراعنه مهلت داده و قدرت و امکاناتی هم برایشان قرار داده ولی به یک نقطه ای که می رسد خدای متعال دستگاه آنها را جمع می کند. یکی از تعبیری که در قرآن آمده این است «فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ * فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ» (فجر/۱۲-۱۳) ما به فرعون و قبلی ها مهلت دادیم و وقتی فساد را به کثرت رساندند ما هم بساطشان را جمع کردیم. نسبت به این امت هم «إِنَّ رَبَّكَ لِبِالْمِرْصَادِ» (فجر/۱۴) پروردگار تو همان سنت را دارد و در کمین نشسته است. مهلتی می دهد ولی یک جایی بساطشان را جمع می کند.^۱

نتیجه گیری

گفتیم محور اصلی در تمام دستورات دین اسلام توحید است ، توحید برگرفته از کلمه ی لا اله الا الله بیانگر نفی پرستش هر چیزی غیر از الله است که دستور تمامی ادیان الهی است ، ولی عده ای از انسان ها در این عالم به تبعیت از شیطان طغیان کردند و بنده ی هوای نفس خود شدند و از هیچ جنایتی برای دست یابی به امیال خود فروگذار نکردند. از جمله رژیم غاصب اسرائیل که برای دست یابی به منافع خود بخشی از کیان اسلامی را اشغال کرده و در آیات قرآن دشمن اصلی مسلمانان معرفی شده است بنابراین طبق قاعده ی نفی سبیل بر هر مسلمانی واجب است همراه با دفاع از ملت مظلوم فلسطین ، به وعده ی الهی پیروزی نهایی حق و برچیده شدن بساط ظلم در پایان کار اعتماد کند.

^۱ . آیت الله میرباقری: جلسه هشتم، تقابل دعوت اهل بیت با دعوت شیطان ، ۱۴۰۱/۱/۴

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- صحیفه ی امام خمینی
- ۳- خمینی، روح الله، شرح حدیث جنود عقل و جهل
- ۴- خمینی، روح الله، آداب الصلاة
- ۵- خامنه ای سیدعلی ، طرح کلی اندیشه ی اسلامی
- ۶- قرائتی محسن، تفسیر نور
- ۷- آیت الله نوری، تدریس کتاب الجهاد
- ۸- وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی
- ۹- کریمی نیا محمد مهدی ، شهبازی حسین ، انصاری مقدم مجتبی ، تاثیر مراتب توحید الهی نسبت به حکومت اسلامی
- ۱۰- ابن قیم جوزیه، توضیح المقاصد و تصحیح القواعد فی شرح قصیده الامام ابن القيم
- ۱۱- میر سید شریف جرجانی، التعریفات
- ۱۲- قاضی عبدالجبار معتزلی، شرح الاصول الخمسه
- ۱۳- طبرسی ، فضل بن حسن ، مجمع البیان فی تفسیر القرآن
- ۱۴- محمود روحانی، المعجم الاحصائی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماري کلمات قرآن کریم)،